

DOI: 10.30495/jss.2022.1943721.1392

**Research Paper**

## **Investigating the Role of Political Trust and Religious Beliefs in Political Development (Case Study of Bandar Gaz)**

**Jafar Mallah**

*Ph. D. Student in Sociology of Economics and Development, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.*

**Abolghasem Heidarabadi**

*Assistant Professor, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran (Corresponding Author). E- mail: heidarabadi@baboliau.ac.ir*

**Seifullah Farzaneh**

*Assistant Professor, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.*

Bandar Gaz city has not grown significantly in terms of political development, and the amount of political participation and activity of political parties in it is weak. Political development is influenced by social and cultural factors, including political trust and religious beliefs. The present article aimed to analyze the effects of political trust and religious beliefs on political development. The research method was survey and information was collected using a questionnaire. All people over 15 years old in Gaz port have been selected as the statistical population, which is equal to 36785 people. The sampling method is multi-stage cluster and the sample size according to Cochran's formula is 380 people. The measurement tool has a formal validity and its reliability for the political development variable is equal to 0.790. The findings show that, the average political development is 2.01, which is higher than average number. The dimension of political participation with an average of 2.31 has the highest average and the dimension of political freedom with an average of 1.76 have the lowest value among the dimensions of political development. The variables of religiosity and political trust have a positive and direct relationship with the level of political development. The results of multivariate regression show that, 33.9% of the changes in political development are explained by variables. Religiosity has the least effect and political trust has the most effect on political development. Therefore, the role of political trust and religious beliefs in increasing and accelerating the political development of Gaz port should be considered.

### ***Conflict of interest:***

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

**Key words:** *Political Development, Religious Beliefs, Political Trust, Political Activists, Bandar Gaz.*

## بررسی نقش اعتماد سیاسی و باورهای دینی در توسعه سیاسی (مورد مطالعه شهرستان بندر گز)

جعفر ملاح<sup>۱</sup>

ابوالقاسم حیدرآبادی<sup>۲</sup>

سیف‌الله فرزانه<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۸

### چکیده

شهرستان بندر گز در حوزه توسعه سیاسی، رشد چشمگیری نداشته و میزان مشارکت سیاسی و فعالیت احزاب سیاسی در آن کم‌رنگ است. توسعه سیاسی متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی است که اعتماد سیاسی و باورهای دینی بر توسعه سیاسی انجام شد. روش تحقیق، پیمایشی بوده و با ابزار پرسشنامه اطلاعات جمع‌آوری شد. افراد بالای ۱۵ ساله بندر گز به عنوان جامعه آماری انتخاب شده که برابر ۳۶۷۸۵ نفر است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ نفر است. ابزار سنجش از اعتبار صوری برخوردار بوده و پایایی متغیر توسعه سیاسی برابر با ۰/۷۹۰ است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین توسعه سیاسی برابر با ۲/۰۱ است که عددی بالاتر از حد متوسط می‌باشد. بعد مشارکت سیاسی با میانگین ۲/۳۱ بیشترین میانگین و بعد آزادی سیاسی با میانگین ۱/۷۶ کمترین مقدار را در بین ابعاد توسعه سیاسی دارا می‌باشند. متغیرهای دین‌داری و اعتماد سیاسی با میزان توسعه سیاسی رابطه مثبت و مستقیمی دارند. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که ۳۳/۹ درصد از تغییرات میزان توسعه سیاسی توسط متغیرها تبیین می‌شود. دین‌داری کمترین و اعتماد سیاسی بیشترین اثر را بر توسعه سیاسی دارند. بنابراین باید به نقش اعتماد سیاسی و باورهای دینی در افزایش و تسریع توسعه سیاسی بندر گز توجه نمود.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، باورهای دینی، اعتماد سیاسی، کنشگران سیاسی، بندر گز.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: heidarabadi@baboliau.ac.ir

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

#### مقدمه

توسعه سیاسی می‌تواند سایر ابعاد توسعه مانند توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه انسانی و توسعه روانی را تحت تأثیر خود قرار دهد. در نتیجه ارتباط نزدیکی بین توسعه سیاسی با سایر ابعاد توسعه قابل مشاهده است. مقوله توسعه سیاسی از اواخر دهه ۵۰ میلادی و اوایل دهه ۶۰ میلاد مورد توجه دانشمندان علوم سیاسی قرار گرفت. نوسازی سیاسی با مشارکت سیاسی همراه است. نوسازی سیاسی با جنبه‌های روبنایی توسعه سرو کار دارد، توسعه سیاسی با دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود (۱۳). امروزه متفکران و صاحب‌نظران توسعه، مشارکت را از مهم‌ترین ارکان توسعه به شمار می‌آورند (۵). برخی شاخص آن را رشد اقتصادی (۲۴)، رشد اقتصادی و شاخص روانی (۲۷)، مشروعیت سیاسی (۴۵)، و مشارکت سیاسی (۳۸)، می‌دانند. اعتماد سیاسی امری الزامی برای افزایش پایداری نظام-های اجتماعی است (۵۹). در جوامعی که از سطوح بالایی از اعتماد برخوردار هستند دولت و مردم مکمل یکدیگر و موفقیت در راه رسیدن به توسعه پایدار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محتمل‌الوقوع است. اعتماد بر روی نظام تصمیم‌گیری، الگوسازی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، میزان مشارکت و در نهایت خروجی نظام و بازخورد سیستم نقش فعال و موثری دارد (۹).

در جوامع در حال توسعه، فرایند نوسازی و توسعه سیاسی به خوبی شکل نگرفته است و با توسعه سیاسی در کشورهای توسعه یافته اختلاف زیادی وجود دارد. هنوز در جوامع در حال توسعه‌ای مانند ایران، شاخص‌های توسعه سیاسی مانند مشارکت سیاسی و آزادی حق انتخاب و دموکراسی به طور کامل رخ نداده است و باید دید که مسأله اصلی جهت عدم توسعه سیاسی در جامعه چیست؟ یکی از مهم‌ترین مسائل هر جامعه، رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می‌باشد که به لحاظ اهمیت و اعتبار خاصی که دارد، معمولاً در رأس دستور کار دولت‌ها قرار می‌گیرد. جامعه انقلابی ایران نیز به خصوص با پایان یافتن جنگ تحمیلی، دوران سازندگی و رشد و شکوفایی و توسعه را آغاز نموده است. تاریخ تحولات ایران نشان می‌دهد که قوم ایرانی همواره مردمی آزادمنش و آزادیخواه بوده است (۱۲). ایران به علت وضعیت جغرافیایی و سیاسی خود و قرار گرفتن در منطقه‌ای مهاجرپذیر، دارای انقطاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متعددی بوده است. برخی سنت‌های سیاسی که در طول تاریخ به عادات رفتاری ایرانیان تبدیل شده است، یکی از موانع عمده توسعه سیاسی در ایران بوده است. این رفتارها شامل موارد نسبتاً متعددی مانند تسلیم‌پذیری یا سلطه فرهنگ تسلیم، سنت خودکامگی و استبداد، سنت خشونت توطئه و تزویر، سنت تک‌روی و فردگرایی و در نهایت سنت بی‌اعتمادی است (۱۷). فرهنگ سیاسی محصول تاریخ نظام سیاسی در ادوار گوناگون می‌باشد که ریشه در رفتار عمومی و نیز تجربه‌های شخصی داشته و مطالعه دقیق آن، فرآیند تبدیل تقاضا و خواست‌ها را به تصمیمات، استراتژی‌ها و سیاست‌ها نشان می‌دهد. بر این اساس، تحلیل ابعاد گوناگون فرهنگ سیاسی انعکاس دهنده رابطه اقتدار سیاسی و ارزش‌ها بوده و ما را قادر می‌سازد میزان مشروعیت نظام سیاسی را مورد ارزیابی قرار دهیم و از

آن جا که محیط نظام ارزشی است، فرهنگ سیاسی جهت‌گیری‌های مردم را نسبت به نهادها، ساختارها و نیز عملکردهای سیاسی مشخص می‌کند. کم و کیف مشارکت سیاسی، شیوه رأی دادن، پشتیبانی و بی‌اعتنایی نسبت به نظام سیاسی، تا حد قابل توجهی به، ارزش‌ها، اعتقادات، انگاره‌ها و نهادهای نهادینه شده بستگی دارد (۳۰).

شهرستان بندر گز یکی از شهرهای استان گلستان است که بر اساس شواهد موجود در حوزه توسعه سیاسی، رشد چشمگیری نداشته و میزان مشارکت سیاسی و فعالیت احزاب سیاسی در آن ناچیز است. نتایج تحقیق نسترن و فتاحی (۱۳۸۸)، نشان دهنده عدم توزیع هماهنگ امکانات و خدمات در استان گلستان می‌باشد. به شکلی که شهرستان‌های گرگان، بندر گز و کردکوی از لحاظ برخورداری از جمیع امکانات و خدمات نسبت به دیگر شهرستان‌های استان در رتبه نخست و شهرستان‌های بندر ترکمن، مینودشت، آزادشهر و آق‌قلا در رتبه آخر قرار دارند (۴۲). سعیدی و همکاران (۱۳۹۸)، معتقدند که سطح زندگی انسان با رشد و پیشرفت علم و دانش بشری همواره در حال پیشرفت بوده است. با این حال، این رشد و توسعه در تمام مناطق و سکونتگاه‌های انسانی یکسان نبوده و در نتیجه آن جوامع مختلفی با سطح توسعه اجتماعی متفاوت ایجاد شده است. ارزیابی و سطح‌بندی توسعه اقتصادی اجتماعی شهرستان‌های استان گلستان با تاکید بر میزان توسعه یافتگی روستاها نشان داد که شهرستان گنبد با ضریب بهره‌مندی ۰/۹۲ رتبه اول و شهرستان بندر گز با ضریب بهره‌مندی ۰/۱۲ رتبه یازدهم (آخرین رتبه توسعه یافتگی) را به دست آورد (۵۰). خوشفر و میرزاخانی هم سطح سرمایه اجتماعی و همچنین توسعه یافتگی بندر گز را در حد بالایی ارزیابی نمودند (۳۲). اما لطفی (۱۳۹۶)، نشان داد که توسعه سیاسی در بندر گز خیلی کم است (۳۵). بنابراین تحقیقات سعیدی و همکاران (۵۰)، لطفی (۳۵)، و نسترن و فتاحی (۴۲)، به طور مستند نشان از ضعف توسعه سیاسی در جامعه مورد مطالعه دارند. لذا اهمیت و ضرورت بررسی توسعه سیاسی و عوامل اثرگذار بر آن به خوبی آشکار می‌شود. بر این اساس، در این مقاله هدف تحلیل اثرات اعتماد سیاسی و باورهای دینی بر توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز است. همچنین به دنبال پاسخ به این سؤال است که نقش اعتماد سیاسی و باورهای دینی در توسعه سیاسی شهرستان بندر گز چگونه است؟

### سابقه و پیشینه تحقیق

زیباکلام و همکاران (۱۳۹۰)، و کهرآزه (۱۳۹۶)، به نقش نخبگان فکری بر توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (۵۸) و (۳۱)، عیوضی و منصورزاده (۱۳۹۰)، به تأثیر فرهنگ‌سازی سیاسی رسانه ملی بر فرآیند توسعه سیاسی (۱۷)، سیونگیو (۱۳۷۷)، به نقش فرهنگ سیاسی (۵۲)، مرادنژاد سرای و همکاران (۱۳۹۵)، به نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی جامعه (۴۱)، اشاره می‌کنند. بیات و همکاران (۱۳۹۹)، در پی بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی شکل‌های مردم نهاد استان مرکزی بر توسعه سیاسی می‌باشند. از جمله

عوامل تأثیرگذار بر توسعه سیاسی، عامل کلیدی سرمایه اجتماعی و اعتماد است. سرمایه اجتماعی تشکلهای مردم نهاد بر توسعه سیاسی تأثیر مثبت و معناداری دارد و برای تحقق جبهه فرهنگی-اجتماعی انقلاب و هم‌افزایی استعدادها و ظرفیت‌ها برای سامان دادن به اهداف سیاسی نظام و مبارزه با دشمنان و شفاف‌سازی چالش‌های پیشرو و توسعه جامعه مدنی، نقش مهمی ایفا می‌کنند (۱۵). آقایان خانه‌برق و همکاران (۱۳۹۹)، به مدل‌یابی روابط بین فرهنگ سیاسی در مشارکت و اعتماد سیاسی با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی پرداختند. فرهنگ سیاسی از طریق سرمایه اجتماعی بر اعتماد و مشارکت سیاسی تأثیر غیر مستقیم دارد. فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی، مشارکت و اعتماد سیاسی در بین دانشجویان از حد انتظار پایین می‌باشد (۱).

آذرشب و آسوده (۱۳۹۸)، به بررسی جایگاه جامعه مدنی در توسعه سیاسی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که برای رسیدن به یک جامعه توسعه یافته سیاسی باید هم دولت توسعه‌گرا و هم جامعه مدنی توسعه‌گرا وجود داشته باشد، و جامعه مدنی یکی از عوامل اصلی توسعه سیاسی است (۱۰). ضمیری و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی گرایش به حزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی (بررسی علی نگرش به تأثیر حزب بر رفتار حزبی) پرداختند. یافته‌ها نمایانگر وجود همبستگی محسوس میان نگرش مثبت به نقش احزاب در توسعه سیاسی، و گرایش به فعالیت حزبی است. بخش قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان مجلس ششم و هفتم، بر این باورند که احزاب و حزب نقش مثبت و کارآمدی در فرایند توسعه سیاسی دارند، از سوی دیگر نگرش مثبت به تأثیر حزب بر توسعه سیاسی، بر رفتار سیاسی نمایندگان نیز تأثیر مثبت نهاده و نمایندگانی که به نقش مثبت احزاب در فرایند توسعه سیاسی باور داشته‌اند در عمل نیز به فعالیت حزبی گرایش بیشتری نشان داده‌اند (۴۸).

ارسیا و ساعی (۱۳۹۸)، مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر ابعاد سه‌گانه توسعه سیاسی دارند. نتایج حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی بر روی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به توسعه سیاسی تأثیر مثبت دارد. هم‌چنین متغیر اعتماد اجتماعی بر روی سه بعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی نیز تأثیر مثبت دارد. به لحاظ مطلوبیت نگرش شهروندان تهرانی به توسعه تنها بعد احساس تعلق به جامعه در سطح مطلوبی قرار دارد، و ابعاد احساس آزادی سیاسی و رضایت از اوضاع سیاسی و هم‌چنین متغیر نگرش به توسعه سیاسی در بین افراد در سطح مطلوبی قرار ندارند. در خصوص اولویت‌بندی ابعاد اعتماد اجتماعی نیز فقدان خشونت ساختاری در اولویت نخست، و ابعاد کنترل فساد اداری و مالی، تسهیل تعاملات سیاسی اجتماعی، شفافیت رفتاری، میزان انعطاف‌پذیری، عدالت در مجازات، شفافیت اطلاعاتی، اعتماد به رسانه، اعتماد به نهادهای حکومتی، عدالت اقتصادی و شفافیت گفتاری در اولویت‌های بعدی قرار دارند (۸).

عقیلی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای به بررسی نقش رسانه‌های نوین در توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم پرداخت. اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه‌جایی بودن، فقدان

کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسورگریزی، می‌تواند فضای مساعدی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی را فراهم آورد و به این ترتیب بستری مناسب برای گسترش مشارکت سیاسی به شمار می‌رود (۲). محمدی‌مهر و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای به گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی ایران می‌پردازند. رهیافت بیشتر کتاب‌ها مدرنیزاسیون و دموکراتیزاسیون بوده و عامل اصلی توسعه نیافتگی سیاسی ایران، استبداد و اقتدارگرایی، مولفه‌های فرهنگ سیاسی و شکاف بین سنت‌گرایی و تجددطلبی عنوان شده است (۳۹). اخوان کاظمی و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی روند پژوهی فرایند توسعه سیاسی در ایران معاصر پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که با وجود زمان‌بر بودن دستیابی به فرایند توسعه سیاسی، به علت فراهم شدن تدریجی زیربناهای توسعه و نهادینگی آن پس از انقلاب اسلامی تاکنون، امکان بازگشت به اقتدارگرایی و شکل‌گیری امواج ضد توسعه‌ای در آینده در جامعه ایرانی به کمترین حد ممکن خود رسیده است (۳).

صالحی امیری و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تاثیر سرمایه اجتماعی بر ابعاد توسعه پایدار پرداخته است. سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن نظیر، نظم، وفاق اجتماعی، تعهد و پیوند اجتماعی، انسجام اجتماعی، امنیت و مشارکت اجتماعی در نهایت ۷۰٪ بر بعد سیاسی توسعه پایدار اثر دارد (۵۱). نظری و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال) نشان داد بین متغیرهای اعتماد به رسانه‌های جمعی، اعتماد به افراد مذهبی، اعتماد به سیاسیون، اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی با توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از این یافته‌ها نشان دهنده تأثیر عواملی چون اعتماد به رسانه‌های گروهی، اعتماد به سیاسیون و اعتماد سیاسی و اعتماد به افراد مذهبی، مشارکت سیاسی بر میزان توسعه سیاسی است (۴۳).

ایدا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، به بررسی تحلیلی تجربی از کاربرد رسانه‌های اجتماعی، یادگیری سیاسی و مشارکت در بین جوانان: یک مطالعه تطبیقی اندونزی و پاکستان می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از رسانه‌های اجتماعی جوانان را برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی تسهیل می‌کند و این فعالیت‌ها دانش آن‌ها را تقویت می‌کند، فرصتی برای مشارکت و ایجاد ظرفیت کارآیی سیاسی فراهم می‌کند (۲۹). هوی و پیکاک<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، در مقاله خود قدرت رسانه در شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی را بررسی کردند. متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌گر، اغلب قدرت روابط بین رسانه‌ها و نگرش‌های سیاسی را تعیین می‌کنند، و علیت در تعیین جهت این روابط یک نکته اساسی است (۲۶).

فنگ ژو<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای موضوع استفاده خلاق از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در جوانان: تعدیل و نقش میانجی‌گری بیان سیاسی آنلاین را بررسی کردند. نتایج نشان داد که

<sup>۱</sup>. Ida

<sup>۲</sup>. Hoewe, Peacock

<sup>۳</sup>. Feng Zhu

رسانه‌های خلاق اجتماعی، با مداخله کامل بیان سیاسی سیاسی پیشرفته آنلاین، مشارکت سیاسی را به طور غیر مستقیم پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌ها نقش تعدیل کننده بیان سیاسی آنلاین را در پیوند بین استفاده خلاقانه از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی نشان ندادند. یافته‌ها سهم نظری مهمی در زمینه مرتبط با استفاده از رسانه‌های اجتماعی با تعامل سیاسی دارند<sup>(۲۱)</sup>. اسکوریا و پارک<sup>(۲۰۱۴)</sup>، به نقش فرهنگ، رسانه و شبکه‌های اجتماعی و دموکراسی<sup>(۵۵)</sup>، فلاوین و کین<sup>(۲۰۱۲)</sup>، به رضایت از زندگی و مشارکت سیاسی<sup>(۲۲)</sup>، کیربیش<sup>(۲۰۱۳)</sup>، به سطوح مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، سبک زندگی، سنت‌گرایی، نقش جنسیت و ارتباط بین مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی اشاره دارد<sup>(۳۳)</sup>. الدین فامی<sup>(۲۰۰۶)</sup>، متغیر سرمایه اجتماعی<sup>(۲۰)</sup>، و آلوزی<sup>(۵)</sup> و همکاران<sup>(۲۰۱۱)</sup>، به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان عوامل توسعه سیاسی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا اعتقاد دارند<sup>(۷)</sup>.

اکثر تحقیقات انجام شده در حوزه توسعه سیاسی توسط متخصصان علوم سیاسی انجام شده و کمتر در حوزه جامعه‌شناسی به بحث توسعه سیاسی پرداخته شده است. در این تحقیق متغیر توسعه سیاسی با سعه بعد مشارکت سیاسی، آزادی سیاسی و برابری سیاسی سنجش شده که در سایر تحقیقات به این ابعاد به طور کامل توجه نشده است. همچنین در شهرستان بندر گز تحقیق جامعی در حوزه رابطه اعتماد سیاسی و باورهای دینی با توسعه سیاسی صورت نگرفته است. لذا محقق درصدد است تا با رویکردی جامعه‌شناختی و با استفاده از متغیرهای اجتماعی مانند باورهای دینی و اعتماد سیاسی به تبیین توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز بپردازد و این مزیت عمده این تحقیق نسبت به پژوهش‌های قبلی است.

نظریه‌های توسعه سیاسی را می‌توان به دو دسته نظریه‌های جامعه‌گرا و نظریه‌های دولت‌گرا تقسیم نمود. نظریه‌های جامعه‌گرا مبنای تحقق توسعه سیاسی را از پایین به بالا می‌داند که بر مدار جامعه مدنی سامان می‌یابد، اما نظریه‌های دولت‌گرا مبنای شکل‌گیری توسعه سیاسی را از بالا به پایین می‌داند که بر مدار دولت مشروع و مقتدر تعین می‌یابد. انتخاب هر یک از دو مبدأ تابعی از مشخصات جامعه و دولت در جوامع گوناگون است<sup>(۱۶)</sup>. ساموئل هانتینگتون و نلسون، شرط اصلی تحقق توسعه سیاسی را مشارکت سیاسی دانسته‌اند<sup>(۳۸)</sup>. عده‌ای دیگر از آنان ضمن تأیید این شاخص مهم، توانایی نظام سیاسی در پاسخگویی به بحران‌های سیاسی جامعه را، شرط تحقق توسعه سیاسی قلمداد کردند. در این باره، لوسین پای معتقد بود اگر یک نظام سیاسی بتواند از بحران‌های سیاسی و اجتماعی پیش روی خود به موفقیت عبور کند، ضمن آن که مشروعیت خود را تحکیم می‌بخشد، فرآیند تحقق توسعه سیاسی را نیز هموارتر می‌کند<sup>(۴۵)</sup>. از دیگر شاخص‌های مورد تأکید اندیشمندان علوم سیاسی، اعتماد متقابل بین جامعه و نظام

<sup>1</sup>. Skorica, Marko M. Yong, Jin, Park

<sup>2</sup>. Flavin & Keane

<sup>3</sup>. Kirbiš

<sup>4</sup>. Eldin famy

<sup>5</sup>. Alozie

سیاسی می‌باشد. این عده از متفکران از جمله آلموند و پاول، عقیده داشتند که اگر روابط سیاسی یک جامعه مبتنی بر اعتماد بین جامعه سیاسی و نظام سیاسی باشد، فرآیند توسعه سیاسی موفقیت‌آمیز خواهد بود (۶).

منظور از توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی شهروندان و رقابت گروهی است که دانشمندانی مانند رابرت دال، آیدم، دیوید اپتر و آیزنشتات، این شاخصه‌های را معیار توسعه سیاسی معرفی کرده‌اند (۱۴). دانیل لرنر و لوسین پای نیز مشارکت در انتخابات را به عنوان شاخص مشارکت سیاسی معرفی کرده‌اند (۱۱). توسعه سیاسی یکی از جنبه‌های اصلی توسعه‌یافتگی یک کشور محسوب می‌شود. از نظر هانتینگتون مهم‌ترین عامل توسعه سیاسی در کشورها، همانا مشارکت سیاسی است. آنان مشارکت سیاسی را تابعی از فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی و تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آن‌ها می‌دانند؛ به عبارتی، نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی، اصلاحات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و غیره مشارکت بخش‌هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می‌کنند (۲۴). از نظر هانتینگتون، نوسازی روندی چند بعدی متضمن تغییر در همه عرصه‌های اندیشه و عمل انسان است، نوسازی سیاسی، تغییر نظام سیاسی را در نظر دارد و در بر گیرنده تغییرات در ساختار سیاسی، فرهنگ سیاسی و روندهای سیاسی است، نوسازی سیاسی روندی همانند توسعه سیاسی است (۴).

گابریل آلموند نظریه‌ای را بر حسب قابلیت‌های عملکرد سیستم‌های سیاسی تدوین کرده است که طبق آن، سیستم‌های سیاسی پس از کسب قابلیت‌های جدید در ارتباط با محیط اجتماعی و بین‌المللی خود، تغییر یا توسعه پیدا می‌کنند. هر سیستم سیاسی با چهار مشکل و چالش مواجه بوده است و یا مواجه خواهد شد که عبارتند از: حکومت‌سازی، ملت‌سازی، مشارکت و توزیع یا رفاه (۳۷). ایشان از لحاظ رفتاری، مصلحت‌گرایی، ارجح بودن فعالیت‌های دسته‌جمعی بر فردگرایی، میزان همبستگی و میثاق با نظام سیاسی، روابط سیاسی بر مبنای اعتماد متقابل را به عنوان معیار توسعه سیاسی تلقی کرده و از نظر ساختاری بر تنوع ساختاری، فرهنگ دنیوی و سطح بالای استقلال نظام‌های فرعی تأکید می‌کنند (۴۳). آلموند و وربا<sup>۱</sup> بر این باورند که جوامع گوناگون را می‌توان بر پایه سه نوع فرهنگ کوتاه بینانه، ذهنی، و مشارکتی یا آمیزه‌ای از آن‌ها شناسایی کرد؛ ویژگی فرهنگ کوتاه‌بینانه، شناخت اندک از حکومت است و غالباً در میان اقشار و طبقات پائین جامعه به لحاظ سطح تحصیلات، شغل و درآمد و آگاهی سیاسی دیده می‌شود.

استدلال آلموند و وربا در نهایت این است که هر چقدر سه نهاد اجتماعی کننده خانواده، مدرسه و شغل، الگوی مشارکت قوی‌تری را نهادینه کرده باشند و فرد در درون این سه نهاد اجتماعی کننده مشارکت بیشتری داشته باشد، در مراحل بعدی زندگی مشارکت سیاسی بیشتری خواهد داشت و جامعه مربوط از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ مشارکتی نزدیک‌تر خواهد بود (۱۸). در این نظریه بر نقش

<sup>۱</sup>. Almond & Verba



الگوی اقتدار در بیرون از نظام سیاسی، یا به عبارتی بر یادگیری سیاسی از الگوهای حاکم بر نهادهای اجتماعی یا تجربه‌های سازنده برآمده از موقعیت‌های نهادی و نخبگان سیاسی و تأثیر نهادها و نخبگان بر فرهنگ سیاسی مردم بسیار تأکید می‌شود (۳۰). آلموند و وربا از داده‌های خود نتیجه می‌گیرند که الگوی مشارکت در درون گروه‌های طبقاتی مختلف تفاوت‌های معنی‌داری دارد و کسانی که در طبقات اجتماعی بالاتر قرار دارند، مشارکت بیشتری نیز دارند. به نظر آن‌ها، یکی از دلایل قابلیت سیاسی اندک کسانی که اطلاعات و آموزش مناسبی ندارند، این است که از نظر طبقاتی در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که در آن‌ها انتظار و توقع این که هر کس با تصمیمی مخالف است، می‌تواند مخالفت‌اش را اعلام کند، پرورش نمی‌یابد (۱۸). هر چه سطح مشارکت افزایش می‌یابد، نسبت افراد طبقات پایین‌تر کاهش می‌یابد (۴۶).

لئونارد بایندر توسعه سیاسی را در سه مفهوم برابری، ظرفیت و تفکیک وظایف خلاصه کرده است. بایندر معتقد است توسعه پایان‌ناپذیر است و مسیر توسعه کشورهای توسعه نیافته متفاوت و غیر قابل پیش‌بینی است (۱۹). او معتقد است بحران‌های سیاسی که در سر راه کشورهای در حال توسعه است عبارتند از: هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع. مارتین لیپست بیشتر به دنبال شناخت عواملی است که خارج از فرد و شخصیت او قرار داشته، و به عنوان عوامل اجتماعی شناخته می‌شوند. متغیرهای مورد نظر لیپست در تبیین توسعه و مشارکت سیاسی را می‌توان در سه سطح موقعیت اقتصادی، موقعیت اجتماعی و موقعیت سیاسی - مذهبی فرد تقسیم کرد (۳۴). متغیرهایی چون ایدئولوژی سیاسی فرد که ارتباط تنگاتنگی با میزان مذهبی بودن دارد، به نوبه خود متأثر از ویژگی سیاسی خانواده نیز هست (۲۳). آیزنشتات توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد (۳۶). آیزنشتات توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد. به نظر وی هر اندازه جامعه از ساختارهایی برخوردار شود که هر کدام دارای هویت مستقل برای خود باشند به همان نسبت بر درجه توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد.

هانتینگتون مفهوم توسعه سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی ارزیابی کرده و بر این اعتقاد است که از آن جا که در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند، لذا نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت، نظام با بی‌ثباتی و هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد (۲۸)، و امکان دارد جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب برخورد کند (۲۴). افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی به مفهوم افزایش سهم افراد در فراگرد توسعه جامعه است.

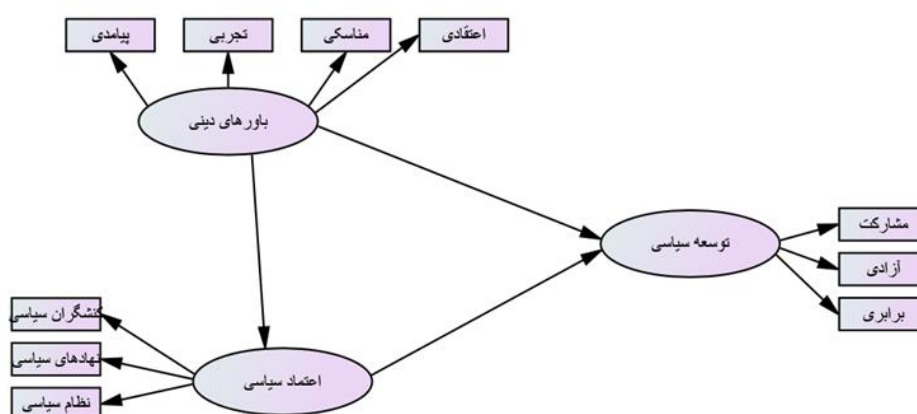
<sup>۱</sup>. Huntington

هانتینگتون معتقد است؛ بین گسترش فرصت‌های تحرک اجتماعی فردی و مشارکت سیاسی در کوتاه مدت رابطه معکوس وجود دارد و چنانچه افراد بتوانند با استفاده از بالا بردن سطح تحصیلات، انتقال به شغل پر منزلت‌تر یا کسب درآمد بیشتر به اهداف موردنظر خود که همان بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود است، دست یابند، معمولاً از مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی صرف‌نظر می‌نمایند (۴۹). از نظر هانتینگتون هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد (۴۳). هانتینگتون نیز مانند جگورایب معتقد است ثبات هر حکومت در رابطه مناسب و تعادل بین نهادینه کردن سیاست‌ها و مشارکت سیاسی است. ثبات سیاسی زمانی به وجود می‌آید که با افزایش مشارکت سیاسی، مسائلی از قبیل پیچیدگی، استقلال، سازگاری و انسجام نهادهای سیاسی جامعه افزایش یابد. گسترش مشارکت سیاسی باید با ایجاد نهادهای قوی، پیچیده و مستقل همراه باشد.

لوسین پای توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی می‌داند (۲۴). پای بر این نظر است که برای تحقق توسعه مطلوب یک نظام سیاسی باید از یک سلسله بحران‌ها به صورت موفقیت‌آمیز عبور کند. وی تقدم و تاخیر را برای مقابله با بحران در نظر نمی‌گیرد؛ زیرا شرایط اجتماعی و سیاسی جوامع گوناگون از لحاظ قرار گرفتن در مسیر هریک از این بحران‌ها متفاوت است. وی سه ویژگی مهم مفهوم توسعه سیاسی شامل برابری، ظرفیت و تغییر تدریجی است. «آلبرت بندورا» در دیدگاه نظری که مطرح کرده است کنش سیاسی را متأثر از یک عامل فردی تحت عنوان «اعتماد به نفس» و یک ساختار به عنوان «اعتماد به محیط سیاسی» می‌داند. اعتماد سیاسی فرآیندی مرکب از اعتماد به دولت و اعتماد به نفس سیاسی است (۴۹).

در جمع‌بندی مباحث نظری باید اشاره کرد که هر یک از نظریه‌های توسعه سیاسی، سعی کردند از زاویه‌ای خاص به موضوع نگاه کنند و تبیین توسعه سیاسی پردازند. برادول و لیپست نیز معتقدند میزان مذهبی بودن افراد ارتباط تنگاتنگی با میزان سیاسی بودن افراد دارد که خود متأثر از ویژگی سیاسی خانواده است. بنابراین جهت بررسی نظری توسعه سیاسی، به نظریات لوسین پای، لیپست، لئونارد بایندر، هانتینگتون، آلموند و وربا و آلبرت بندورا اشاره شد. در این نظریه‌ها به بحث مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، ارزش‌های غیر مادی مانند باورهای دینی، اعتماد به دولت و فرهنگ مشارکت سیاسی اشاره گردیده است. بنابراین در این پژوهش متغیرهای باورهای دینی و اعتماد سیاسی به عنوان متغیر مستقل و متغیر توسعه سیاسی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. در این مدل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته توسعه سیاسی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر می‌گذارند. در ارائه فرضیات این تحقیق از نظریات مختلفی در حوزه توسعه سیاسی استفاده شده است که می‌توان به نظرات هانتینگتون (توسعه

سیاسی)، آلبرت بندورا (اعتماد به محیط سیاسی و کنش سیاسی) و مارتین لیپست (ارزش‌ها و باورهای دینی) اشاره کرد و ترکیب این دیدگاه‌ها را به عنوان چارچوب نظری در نظر گرفت. پس هر چه اعتماد سیاسی و باورهای دینی در جامعه بالاتر باشد، توسعه سیاسی در جامعه بیشتر است.



شکل شماره (۱): مدل نظری توسعه سیاسی

### فرضیه‌ها

۱. بین باورهای دینی و توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین متغیرهای جمعیتی و توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز رابطه وجود دارد.

### روش تحقیق

روش تحقیق از نوع پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش میدانی استفاده شد. این روش اجازه می‌دهد تا درباره جمعیت آماری، اطلاعات یکنواختی به دست آورده و امکان مقایسه و مشاهده درست متغیرها را داشت. بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و دریافت اطلاعات، پردازش و تحلیل داده‌ها در قالب روش‌های توصیفی و تحلیلی انجام گردید. جامعه آماری کلیه افراد بالای ۱۵ ساله شهرستان بندر گز می‌باشند که تعداد آنان برابر با گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۳۶۷۸۵ نفر اظهار شده است (۵۶). حدود ۱۸۳۷۲ نفر مرد و ۱۸۴۱۳ نفر زن هستند. هم‌چنین تعداد ۲۱۹۰۱ نفر (۵۹/۵ درصد) در نقاط شهری (شهرهای بندر گز و نوکنده) و تعداد ۱۴۸۸۴ نفر (۴۰/۵ درصد) در مناطق روستایی ساکن هستند. حجم نمونه پس از محاسبه با استفاده

از فرمول کوکران، با توجه به خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۰/۹۵ با آماره مجذور کای برای یک درجه آزادی، مقدار حجم نمونه ۳۸۰ نفر به دست آمد.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{(N-1)d^2 + t^2 pq}$$

$$n = \frac{36785 \times (1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(36785-1)(0/05)^2 + (1/96)^2 (0/5)(0/5)} = \frac{35329}{93} = 380$$

روش نمونه‌گیری در نقاط شهری و نقاط روستایی شهرستان بندر گز به صورت خوشه‌ای تصادفی انجام می‌شود. ابتدا شهرستان بندر گز، سپس بخش مرکزی بندر گز و بخش نوکنده انتخاب شدند. در بخش مرکزی شهر بندر گز و دهستان انزان شرقی و در بخش نوکنده هم شهر نوکنده و دهستان لیوان انتخاب شده و سپس به انتخاب افراد نمونه در سطح محلات شهری و روستاهای این دو دهستان پرداخته شد. بنابراین روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار صوری و محتوایی استفاده شد. پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ به دست آمد. به این طریق که پرسشنامه در اختیار ۳۰ نفر از افراد بالای ۱۵ ساله قرار گرفت. مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته مورد بررسی بین ۰/۷۹۰ تا ۰/۸۷۷ می‌باشد و نشانگر آن است که همبستگی و همسازی درونی بین گویه‌های مربوط به متغیرها مناسب و قابل قبول می‌باشد. به عبارت دیگر از پایایی و قابلیت اعتماد برخوردار است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل اعتماد سیاسی و میزان دین‌داری برابر با ۰/۸۲۹ و ۰/۸۷۷ بوده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیر وابسته میزان توسعه سیاسی برابر با ۰/۷۹۰ می‌باشد که در حد بسیار بالایی است و گویه‌های آن توانسته‌اند از همسازی درونی لازم برخوردار باشند.

مقدار آزمون کولموگورف اسمیرنوف متغیر وابسته توسعه سیاسی برابر با ۰/۶۷۳ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۷۵ است. از آن جایی که مقدار معناداری کلیه متغیرها بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا پراکندگی داده‌ها نرمال بوده و برای آزمون فرضیه‌ها از آماره‌های استنباطی پارامتریک استفاده شد.

جدول شماره (۱): ضرایب آلفای کرونباخ (پایایی) و نرمال بودن متغیرها

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ	آزمون کولموگورف اسمیرنوف	سطح معناداری
دین‌داری	۰/۸۷۷	۰/۷۷۴	۰/۶۹
توسعه سیاسی	۰/۷۹۰	۰/۶۷۳	۰/۷۵
اعتماد سیاسی	۰/۸۲۹	۰/۸۲۹	۰/۵۹

دین‌داری: دین‌داری یا التزام دینی مفهومی است که به پذیرش این اعتقادات و انجام اعمال خاص و به طور کلی تبعیت از دستورهای دین و مجری آن‌ها بودن اشاره دارد. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه ایمانی با او دور می‌زند، سامان می‌-

پذیرد (۵۴). دین‌داری در این تحقیق بر مبنای مقیاس گلاک و استارک و شامل چهار بعد اعتقادی<sup>۱</sup>، بعد پیامدی<sup>۲</sup>، بعد تجربی<sup>۳</sup> و بعد مناسکی<sup>۴</sup> است.

اعتماد سیاسی: اعتماد سیاسی شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی است. اعتماد سیاسی، یعنی احتمال کسب نتایج مطلوب بدون این که یک گروه از مردم برای وقوع آن کاری صورت بدهند (احتمال انجام امور مطلوب مردم به وسیله دولت بدون این که نیازی به دخالت مستقیم آن‌ها باشد) (۵۷). میزان اعتماد به نظام سیاسی، نوع نگرش پاسخگویان به اصل و اساس نظام، حمایت از آن، چگونگی حمایت از عملکرد سیستم سیاسی و قواعد و قوانین حاکم بر آن می‌باشد (۵۳). در تعریف عملیاتی اعتماد سیاسی، اعتماد به کنشگران سیاسی، اعتماد به نظام سیاسی و اعتماد به نهادهای سیاسی مدنظر است.

توسعه سیاسی: توسعه سیاسی در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است (۱۳). متغیر وابسته توسعه سیاسی با مولفه‌هایی مانند مشارکت سیاسی، آزادی سیاسی و برابری سیاسی قابل سنجش است.

جدول شماره (۲): تعریف نظری و عملی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعریف نظری	تعریف عملی	ابعاد و شاخص‌های سنجش
دین‌داری	میزان احساس دل‌بستگی و تعلق خاطر فرد به مؤلفه‌ها و عناصر دینی و مذهبی	التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی در زمینه دین و مذهب	بعد اعتقادی، پیامدی، تجربی و بعد مناسکی
اعتماد سیاسی	شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی در جامعه	میزان اعتماد به نظام سیاسی، نوع نگرش به اصل و اساس نظام، حمایت از آن، چگونگی حمایت از عملکرد سیستم سیاسی و قواعد و قوانین حاکم بر آن	اعتماد به کنشگران سیاسی، نظام سیاسی و اعتماد به نهادهای سیاسی
توسعه سیاسی	افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی	فعالیت سیاسی داوطلبانه در رابطه با انتخاب کردن و انتخاب شدن برای پست‌های سیاسی، اثرگذاری در نهادها و نظام سیاسی، ابراز آزادانه، عقاید و افکار سیاسی.	مشارکت سیاسی، آزادی سیاسی و برابری سیاسی

## یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نشان داد که ۴۵/۱ درصد مرد و ۵۴/۹ درصد زن می‌باشند. بنابراین، جنسیت اکثریت زن (۵۴/۹ درصد) است. حدود ۲۱/۸ درصد بین ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۵/۸ درصد بین ۲۵ تا ۳۴ سال،

1. Ideological  
2. Consequential  
3. Experimental  
4. Ritual

۱۸/۷ درصد بین ۳۵ تا ۴۴ سال، حدود ۱۱/۶ درصد بیش از ۵۵ ساله و حدود ۱۷/۱ درصد بین ۴۵ تا ۵۴ ساله هستند و ۵ درصد نیز سن خود را مشخص نکرده‌اند. بنابراین، سن اکثریت بین ۲۵ تا ۳۴ سال (۲۵/۸ درصد) است. حدود ۱۴/۷ درصد کمتر از دیپلم، تقریباً ۱۱/۳ درصد کاردانی، ۴۷ درصد کارشناسی و در نهایت ۲۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد هستند. بنابراین، سطح تحصیلات اکثریت کارشناسی (۴۷/۰ درصد) می‌باشد. حدود ۲۵/۸ درصد از افراد مورد مطالعه مجرد می‌باشند و ۶۸/۹ درصد از متأهل بوده‌اند و حدود ۵،۳ درصد هم مطلقه یا همسر فوت شده می‌باشند.

جدول شماره (۳): توزیع درصد شاخص‌های میزان دین‌داری پاسخگویان

ابعاد دین‌داری	ضعیف	متوسط	قوی	میانگین از ۳
اعتقادی	۳۰/۴	۲۹/۶	۴۰/۰	۱/۹۰
تجربی	۷۱/۸	۱۴/۴	۱۳/۸	۱/۳۵
مناسکی	۱۸/۹	۱۶/۹	۶۴/۲	۲/۴۶
پیامدی	۷۱/۳	۲۰/۰	۸۷	۱/۲۸
میزان دین‌داری	۴۷/۷	۲۱/۲	۳۱/۱	۱/۶۵

جدول (۳) نشان می‌دهد بعد اعتقادی دین‌داری که به باورهای دینی بر می‌گردد با ۳۰/۴ درصد در پاسخگویان ضعیف است. همچنین بعد تجربی دین‌داری که به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی هم چون خدا بر می‌گردد با ۷۱/۸ درصد در پاسخگویان ضعیف است. همچنین بعد پیامدی دین‌داری که به باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین بر می‌گردد با ۷۱/۳ درصد در پاسخگویان ضعیف است. لیکن بعد مناسکی که عبادات و اعمال مشخصی است که دین اسلام به پیروان خود توصیه اکید و واجب برای انجام آن دارد با ۶۴/۲ درصد نسبت به سایر ابعاد قوی است. در مجموع میزان دین‌داری در حد متوسطی است و بعد مناسکی دین‌داری دارای بالاترین میانگین است اما بعد پیامدی از کمترین میانگین برخوردار می‌باشد.

جدول (۴) نشان می‌دهد بعد کنشگران سیاسی با ۸۷/۳ درصد در پاسخگویان قوی است. همچنین بعد نهادهای سیاسی با ۶۹/۹ درصد در پاسخگویان نسبت به سایر ابعاد ضعیف‌تر است. همچنین بعد نظام سیاسی با ۷۸/۶ درصد در پاسخگویان قوی است. همچنین مقادیر میانگین هر یک از ابعاد اعتماد سیاسی نشان می‌دهد بعد کنشگران سیاسی با میانگین ۲/۸۷ بیشترین میانگین و بعد نهادهای سیاسی با میانگین ۱/۲۶ کمترین میانگین را در بین ابعاد اعتماد سیاسی دارا می‌باشند. همچنین میانگین متغیر اعتماد سیاسی برابر با ۲/۲۱ است که عددی بالاتر از حد متوسط می‌باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهد بعد مشارکت سیاسی با ۳۷/۱ درصد در پاسخگویان قوی است. همچنین بعد برابری سیاسی با ۲۷/۸ درصد در پاسخگویان نسبت به سایر ابعاد ضعیف‌تر است. همچنین بعد آزادی سیاسی با ۳۴/۶ درصد در پاسخگویان نسبتاً قوی است. مقادیر میانگین هر یک از ابعاد توسعه سیاسی

نشان می‌دهد بعد مشارکت سیاسی با میانگین ۲/۳۱۸۷ بیشترین میانگین و بعد آزادی سیاسی با میانگین ۱/۷۶ کمترین میانگین را در بین ابعاد توسعه سیاسی دارا می‌باشند. همچنین میانگین متغیر توسعه سیاسی برابر با ۲/۰۱ است که عددی بالاتر از حد متوسط می‌باشد.

**جدول شماره (۴): توزیع پاسخگویان بر حسب شاخص‌های میزان اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی**

متغیرها	ضعیف	متوسط	قوی	میانگین از ۳
کنشگران سیاسی	۴/۳	۸/۵	۸۷/۳	۲/۸۷
نهادهای سیاسی	۶۹/۹	۱۸	۱۲/۱	۱/۲۶
نظام سیاسی	۶/۲	۱۵/۲	۷۸/۶	۲/۷۳
اعتماد سیاسی	۲۸/۲	۱۳/۵	۵۸/۳	۲/۲۱
مشارکت سیاسی	۳۰/۷	۳۲/۲	۳۷/۱	۲/۳۱
آزادی سیاسی	۴۸/۳	۱۷/۱	۳۴/۶	۱/۷۶
برابری سیاسی	۳۷/۶	۳۴/۶	۲۷/۸	۲/۱۲
توسعه سیاسی	۱۶/۶	۵۴/۱	۲۹/۳	۲/۰۱

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا، رابطه هر یک از متغیرهای مستقل به طور جداگانه با توسعه سیاسی سنجیده می‌شود، تا چگونگی رابطه آن‌ها روشن شود. با توجه به سطح سنجش و آزمون نرمال بودن داده‌ها در متغیرهای دین‌داری و توسعه سیاسی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. یافته‌ها گویای این است که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و آماره آزمون، شدت (ضریب همبستگی) این رابطه را ۰/۲۷۸ ارزیابی کرده است. رابطه بین دین‌داری و توسعه سیاسی مستقیم و مثبت می‌باشد. بدین صورت که هر چه میزان دین‌داری بیشتر شود، میزان توسعه سیاسی بیشتر می‌شود. بین بعد اعتقادی دین‌داری و توسعه سیاسی افراد رابطه معناداری وجود دارد. آماره آزمون، شدت (ضریب همبستگی) این رابطه را ۰/۲۵۷ ارزیابی کرده است. بین بعد تجربی دین‌داری و توسعه سیاسی افراد رابطه معناداری وجود دارد، شدت (ضریب همبستگی) این رابطه را ۰/۱۷۷ ارزیابی شد. بین ابعاد مناسکی و پیامدی دین‌داری با توسعه سیاسی رابطه مثبت و معناداری قابل مشاهده است.

**جدول شماره (۵): ضریب همبستگی پیرسون بین میزان دین‌داری و توسعه سیاسی**

دین‌داری و ابعاد آن	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
میزان دین‌داری	۰/۲۷۸	۰/۰۰۰
اعتقادی	۰/۲۵۷	۰/۰۰۰
تجربی	۰/۱۷۷	۰/۰۰۱
پیامدی	۰/۲۲۵	۰/۰۰۰
مناسکی	۰/۳۷۳	۰/۰۰۰

یکی دیگر از فرضیه‌ها این است که بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. اعتماد سیاسی دارای سه مولفه است. یافته‌های جدول (۶) نشان داد که بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد و شدت همبستگی  $0/324$  است. مثبت بودن ضریب همبستگی بیانگر رابطه مستقیم و مثبت است. یعنی هر چه میزان اعتماد سیاسی بیشتر شود، میزان توسعه سیاسی بیشتر می‌شود. بین مولفه‌های اعتماد سیاسی با توسعه سیاسی نیز ارتباط مثبت و معناداری مشاهده شد.

**جدول شماره (۶): ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی**

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد به کنشگران سیاسی	$0/269$	$0/000$
اعتماد به نهادهای سیاسی	$0/171$	$0/001$
اعتماد به نظام سیاسی	$0/409$	$0/000$
اعتماد سیاسی	$0/324$	$0/000$

در فرضیه مربوط به متغیرهای جمعیتی دو متغیر سن و درآمد در سطح سنجش فاصله‌ای، متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل دارای سطح سنجش اسمی هستند و متغیر میزان تحصیلات در سطح سنجش ترتیبی مورد بررسی قرار گرفت.

**جدول شماره (۷): رابطه بین متغیرهای جمعیتی**

**(سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و درآمد) و توسعه سیاسی**

متغیرهای جمعیتی	نوع آزمون	مقدار ضریب	سطح معناداری
سن	همبستگی پیرسون	$0/414$	$0/000$
درآمد	همبستگی پیرسون	$0/335$	$0/000$
میزان تحصیلات	همبستگی اسپیرمن	$0/085$	$0/142$
جنسیت	آزمون تی	$7/531$	$0/000$
وضعیت تأهل	آزمون تی	$9/211$	$0/000$

ضریب همبستگی پیرسون بین سن و میزان توسعه سیاسی برابر با  $0/414$  و ضریب همبستگی پیرسون بین درآمد و میزان توسعه سیاسی برابر با  $0/335$  و سطح معناداری آن صفر است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از  $5\%$  است، لذا رابطه مثبت و معناداری بین متغیر سن و درآمد با میزان توسعه سیاسی وجود دارد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان تحصیلات و میزان توسعه سیاسی برابر با  $0/085$  و سطح معناداری آن  $0/142$  است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی بیشتر از  $5\%$  است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. نتایج آزمون تی مستقل نیز نشان می‌دهد که بین میانگین توسعه سیاسی بر حسب جنسیت و وضعیت تأهل تفاوت یا



اختلاف معناداری مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر میزان توسعه سیاسی در بین زنان و مردان و همچنین افراد متأهل و مجرد متفاوت از یکدیگر می‌باشد.

برای فهم تاثیر همزمان متغیرهای مختلف بر متغیر وابسته، از رگرسیون استفاده شد. مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با  $0/582$  بوده که نشان دهنده رابطه در حد متوسط بین عوامل اجتماعی و توسعه سیاسی است. مقدار ضریب تعیین برابر با  $0/339$  است. یعنی حدود  $33/9$  درصد از تغییرات میزان توسعه سیاسی به این باورهای دینی و اعتماد سیاسی بستگی دارد. آزمون دوربین واتسون نشانگر استقلال داده‌ها از یکدیگر بوده است. مقادیر ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرها در سطح بیش از  $99$  درصد معنادار هستند. به ازای هر واحد تغییر در اعتماد سیاسی، حدود  $0/449$  واحد در میزان توسعه سیاسی تغییر به وجود می‌آید. بر اساس مقادیر بتا، متغیر دین‌داری کمترین و اعتماد سیاسی بیشترین اثر را بر توسعه سیاسی دارند. نتایج رگرسیون و مقدار آزمون آنالیز واریانس نیز بیان کننده وجود همبستگی و ارتباط معنادار بین متغیرهای باورهای دینی و اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی است. آزمون‌های تولرانس و شاخص VIF نیز نشان می‌دهند که متغیرها از هم خطی لازم برخوردارند.

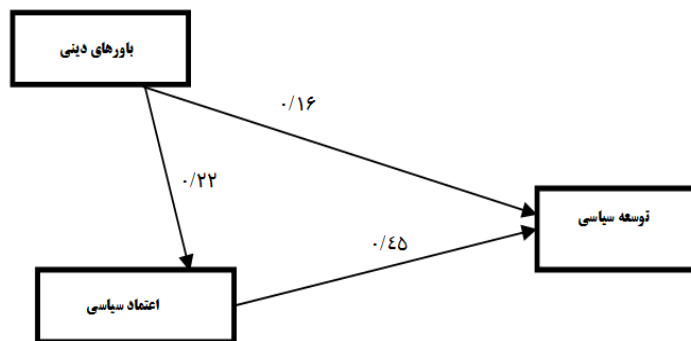
جدول شماره (۸): نتایج تحلیل رگرسیونی میزان توسعه سیاسی

آزمون هم خطی		آزمون T		ضرایب رگرسیونی		متغیر
VIF	Tolerance	Sig	T	Beta	B	
		$0/000$	$3,42$	---	$2/098$	مقدار ثابت
$1/232$	$0/832$	$0/000$	$3759$	$0/157$	$0/343$	دین‌داری
$1/60$	$0/724$	$0/000$	$7/163$	$0/449$	$0/336$	اعتماد سیاسی
آزمون دوربین واتسون		Sig	F	تعدیل شده مجذور R	مجذور R	R
$2/08$		$0/000$	$59/66$	$0/311$	$0/339$	$0/582$

بر اساس نتایج تحلیلی مسیر، بالاترین تاثیر مستقیم را به ترتیب متغیرهای اعتماد سیاسی و باورهای دینی بر روی توسعه سیاسی دارند. میزان کل اثر مستقیم و اثر غیرمستقیم بر متغیر وابسته به ترتیب برابر با  $0/61$  و  $0/10$  است.

جدول شماره (۹): اثرات متغیرهای اعتماد سیاسی و باورهای دینی توسعه سیاسی

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل اثر
باورهای دینی	$0/16$	$0/10$	$0/26$
اعتماد سیاسی	$0/45$	$0/00$	$0/45$



شکل شماره (۲): مدل تحلیل مسیر توسعه سیاسی

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش توسعه سیاسی مورد بررسی قرار گرفت و رابطه و اثر باورهای دینی و اعتماد سیاسی بر توسعه سیاسی مطالعه گردید. نتایج نشان داد که بین باورهای دینی و توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز رابطه معناداری وجود دارد. یعنی دین‌داری می‌تواند بر توسعه سیاسی افراد تأثیرگذار باشد. نتایج این تحقیق مشابه تحقیقات اونیل (۴۴)، و پناهی و شایگان (۴۷)، می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد میزان دین‌داری پاسخگویان و نیز میزان اعتماد بنیادی آنان، رضایت از عملکرد نقطه تماس، برداشت از میزان تعهدات مذهبی مسئولان و نیز تلاش دولت برای تأمین رفاه اجتماعی اقتصادی مردم بر اعتماد سیاسی تأثیر دارد. از دیدگاه دورکیم، در جوامع مدرن، نمادهای انتزاعی وحدت‌بخش، مثل پرچم‌های ملی و نمادهای مشترک و تظاهرات جمعی هنجار و ارزش‌های جامعه به افراد کمک می‌کنند که به چه کسی اعتماد کنند. در کل از نظر دورکیم، در جامعه‌ای که انسجام بالا باشد، اعتماد هم بالا است و مهم، رعایت اصول اخلاقی و احترام به حقوق یکدیگر است که محیط را اعتماد‌آمیز می‌کند. مرادی و همکاران (۱۳۹۵)، در فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی نشان دادند که اعتماد سیاسی کل شهروندان در حد متوسط می‌باشد. همچنین عوامل اقتصادی و عملکرد دولت در سطح کلان، رسانه‌های جمعی و اعتماد عمومی در سطح میانی و میزان ادراک و دین‌داری افراد در سطح خرد بر اعتماد سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند (۴۰). بنابراین باید اشاره کرد که انگیزه‌های دینی مردم بر شرکت آن‌ها در انتخابات و توسعه سیاسی نقش مهمی داشته است به نحوی که ارزش‌ها و نگرش‌های دینی در سیاسی کردن افراد جامعه موثر بوده و روند مشارکت‌جویی و زندگی سیاسی را تعیین می‌کنند.

فرضیه دوم، بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز رابطه معناداری وجود دارد، با نظریه اعتماد سیاسی آلبرت بندورا همخوانی دارد. از نظر بندورا رفتار سیاسی شهروندان تابعی از میزان اعتماد به نفس سیاسی فرد و اعتماد به دولت با میزان پاسخگویی نظام سیاسی است. رفتار سیاسی مشارکت‌طلبانه که در آن شهروندان برای تعیین سرنوشت خویش و اثرگذاری بر نظام سیاسی با دلگرمی به عمل سیاسی مبادرت می‌ورزند زمانی هویدا و آشکار می‌گردد که هر دو مقوله اتکاء به نفس و اعتماد

به انعطاف‌پذیری محیط سیاسی یا اعتماد به دولت با هم تلاقی یافته و این گونه رفتار را سبب می‌شوند. تحلیل کنش سیاسی را در سطح فردی می‌توان به شرایط جامعه‌پذیری فرد در درون خانواده و نظام آموزشی و فرهنگی مرتبط دانست و از نظر محیط بیرونی (محیط سیاسی) میزان اعتماد را می‌توان متأثر از نظام سیاسی و انعطاف آن از جمله پذیرش دیگری به عنوان واقعیتی اجتماعی و متفاوت قلمداد کرد. هر چه میزان پذیرش مخالف و هزینه فعالیت سیاسی کمتر باشد تبعاً اعتماد سیاسی به دولت (نظام سیاسی) بالاتر خواهد بود. بنابراین اعتماد به حاکمان و نظام سیاسی و در مجموع اعتماد سیاسی، فرآیند توسعه سیاسی را در شهرستان بندر گز فراهم می‌نماید.

حاجی علی‌بیگی و همکاران (۱۳۹۵)، نشان دادند که اعتماد مردم به یک نظام سیاسی ارتباط معناداری با باور شهروندان آن جامعه به کارآمدی دولت دارد. اعتمادی که به افزایش مقبولیت آن نظام سیاسی نزد مردم و در نتیجه افزایش سطح مشارکت سیاسی شهروندان منجر می‌گردد و نیز سطح رفاه یک ملت و توانایی آنان به رقابت با جوامع مطرح در این زمینه، خود معلول اعتماد مردم به نظام سیاسی می‌باشد (۲۵). در اقتصاد، اعتماد موجب کاهش هزینه‌ها و به لحاظ روان‌شناختی باعث ایجاد آرامش، امنیت و سلامت روانی جامعه می‌گردد. برقراری اطمینان و تعامل میان دولت و شهروندان، دموکراسی، عدالت محوری دولت در توزیع امکانات و مناصب و وجود دغدغه‌مندی در ارکان دولت برای حل مشکلات شهروندان، افزایش سطح اعتماد عمومی را به همراه دارد و در نتیجه ارتقای سطح اعتماد عمومی در یک رابطه متقابل، موجب اعتماد سیاسی شهروندان به حکومت در سه سطح اعتماد به سیستم سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و به کارگزاران سیاسی می‌گردد که ارمغان آن به همان میزان ارتقای شاخص‌های رفاه و امنیت در جامعه است.

### پیشنادهای اجرایی

با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اول تحقیق پیشنهاد می‌شود با افزایش میزان باورهای دینی و مذهبی و دین‌داری، زمینه برای اعتماد سیاسی به نهادهای سیاسی در بین شهروندان و افزایش توسعه سیاسی شهرستان بندر گز فراهم شود. همچنین اعتماد یکی از اصلی‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی است که به دلیل حساسیت بالا همیشه در معرض تخریب قرار دارد و عنصری است که روابط اجتماعی و سایر ابعاد سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد و زمینه‌ساز مشارکت میان اعضای یک گروه کاری است. با افزایش اعتماد می‌توان اعتماد سیاسی و اعتماد اجتماعی را افزایش داده و زمینه را برای توسعه سیاسی در بندر گز فراهم نمود.

### تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

## منابع

1. Aghaie, Bargh Khaneh, A; Gharibzadeh, R; Azadi Bryce, L. (2016). Modeling the Role of Political Culture in Political Participation and Trust Mediated by Social Capital, Cultural Leadership Studies, Fall 2016, No. 4, P.p: 68-81.
2. Aghili, S, V. (2017). The role of new media in the political development of third world countries, Social Development, 12 (3), Serial No. 47, Spring 2017, P.p: 235-246.
3. Akhavan Kazemi, M; Sadeghi, S; Ayub Parvandi. (2017). Research Process of Political Development Process in Contemporary Iran, Parliament and Strategy, Volume 25, Number 95, Fall 2017, P.p: 209-246.
4. Alam, A. (2003). Foundations of Political Science, Twelfth Edition, Tehran, Ney Publishing.
5. Alikhani, A, A. (2008). Political Participation, Tehran, Safir Publishing.
6. Almond, I and Bingen, P. (1996). Political Socialization and Political Culture, translated by Alireza Tayeb, Tehran, Political and Economic Information, February and March, No 2. P.p: 113-114.
7. Alozie, N, O. Patience Akpan-Obong, W, A. Foster. (2011). Sizing up information and communication technologies as agents of political development in sub-Saharan Africa, Telecommunications Policy, Volume 35, Issue 8, September 2011, P.p: 752-763.
8. Arsia, B; Saei, A. (2018). The Impact of Government Social Capital on Political Development from the Perspective of Tehran Citizens, Political Science, Spring and Summer 2018, No. 29, P.p: 1-28.
9. Askari, M; Khanifar, F. (2015). The role of the element of trust in political development, Annual Conference on New Research Approaches in the Humanities, Tehran.
10. Azarshab, M, T; Asoudeh, R. (2018). The position of civil society in political development, political strategy, Spring 2018, No. 8, P.p: 91-105.
11. Badie, B. (1996). Political Development, translated by Ahmad Naqibzadeh, Tehran: Qoms Publishing.
12. Barzegar, A. (1995). "Culture and Development", Political-Economic Information, Year 11, Number 5 and 6, February and March.
13. Bashirieh, H. (2002). Civil Society and Political Development in Iran, Tehran, Institute for the Publication of Modern Sciences.
14. Bashirieh, Hossein. (2001). Obstacles to Political Development in Iran, Tehran: New Step.
15. Bayat, M; Pouriani, M, H; Kheiri, H. (2016). A Study of the Impact of Social Capital of Non-Governmental Organizations in Markazi Province on Political Development, Sociological Studies, Winter 2016, No. 49, P.p: 135-154.
16. Dabiri Mehr, A. (2014). Typology of political development studies from community-based theories to state-oriented theories, Strategy, Spring 2014, Volume 23, Number 70, P.p: 179-209.
17. Eivazi, M, R; Mansourzadeh, M, B. (2011). Investigating the Impact of Political Media Culture on the Political Development Process in the Islamic Republic of Iran, International Relations Studies, Volume 4, Number 15, Summer 2011, P.p: 63-90.
18. Erfani, Nasrollah. (2004). Participation in the relationship between value and political orientation of students in pre-university centers of Hamadan province, research project report, Research Council of Hamadan Education Organization.
19. Etebarian Khorasgani, Akbar; Gholipour Moghadam, Farideh. (2017). Comparative Review of Political Development Theories, New Research Approaches in Management and Accounting, 1 (3), P.p: 126-139.

20. Fahmy, E. (2006). " Social Capital Civic action study of you thin the united Kingdom" Vol, 14. P.p: 707-778.
21. Feng Zhu, A, Yue, Alex Lih Shing Chan, Kee Lee Chou. (2019). Creative social media use and political participation in young people: The moderation and mediation role of online political expression, *Journal of Adolescence*, Volume 77, December 2019, P.p: 108-117.
22. Flavin, P. & Keane, M. J. (2012). Life satisfaction and political participation: evidence from the United States. *Journal of Happiness Studies*, 13 (1), P.p: 63-78.
23. Fooladian, M; Ramezani, A. (2008). Paradigms and theories of participation in sociology, Mashhad: Sokhogostar.
24. Ghavam, A. (2005). Challenges of Political Development, Tehran, Qoms.
25. Haji Ali Beigi, A; Tafavot, M, Chegni, R. (2016). The Role of Social Trust Indicators in Promoting People's Political Trust in the Government (Relying on the Impact of Government Accountability in Promoting People's Political Trust and Government Success in Policy Making), First International Conference on Studies Socio-Cultural and Religious Research, Rasht, Ghadir International Foundation, Gilan.
26. Hoewe, J, C, Peacock. (2020). The power of media in shaping political attitudes, *Current Opinion in Behavioral Sciences*, Volume 34, August 2020, P.p: 19-24.
27. Huntington, S. (2000). Understanding Political Development, Translator of the Institute for Strategic Studies, Tehran, Institute for Strategic Studies.
28. Huntington, S. (2003). Political order in societies undergoing change, translated by Mohsen Thalasi, Tehran, Alam Publishing, third edition.
29. Ida, Rachmah, Muhammad, Saud & Musta'in, Mashud. (2020). An empirical analysis of social media usage, political learning and participation among youth: a comparative study of Indonesia and Pakistan, *Quality & Quantity*, International Journal of Methodology, Volume 54, Issue 3, June 2020.
30. Inglehart, Ronald. (1994). Cultural Transformation in Advanced Industrial Societies. Translated by Maryam Veter, Tehran: Kavir.
31. Kahrazeh, M. (2017). The role of Baluch intellectual elites on the political, social and cultural development of Baluchistan society, National Conference on New Research in Behavioral Sciences and Social Cultural Studies, Mashhad, Iran.
32. Khoshfar, Gh; Mirzakhani, Sh. (2016). A Study of the 14. Relationship between Social Capital Indices and the Level of Development (Case Study: Cities of Golestan Province in 2006-2011), *Participation and Social Development*, Volume 2, Number 3, P.p: 1-25.
33. Kirbiš, A. (2013). Political Participation and Non-democratic Political Culture in Western Europe, East-Central Europe and Post-Yugoslav Countries, *Democracy in Transition* (P.p: 225-251) Springer.
34. Lipset, M, S; Dosing, R. (1994). Society of Political Science, translated by Mohammad Hussein Farjad, Tehran: Arat As.
35. Lotfi, H. (2017). Analysis of the role of political developments and divisions on urban development using the SAR model (Case study: Golestan Province), *Urban Geographic Planning Research*, Volume 5, Number 4, Winter 2017, P.p: 515-720.
36. Mahdikhani, A. (2001). An Overview of Political and Economic Development, First Edition, Tehran, Arun Publications.
37. Memarzadeh, Gh; Pakintin, I. (2006). Factors Affecting Political Development, *Controller*, Fall and Winter 2006, No. 21, P.p: 1-25.

38. Moeinipour, M. (2010). A Comparative Study of Huntington's Political Development Model with the Model of Political Growth in Mahdavi Society, Mashreq Mo'oud Quarterly, Winter, Third Year, Vol. 4.
39. Mohammadi Mehr, Gholamreza; Tavassoli Roknabadi, Majid; Taheri, Abolghasem; Idrisi, Afsaneh, (2017). Typology of Iranian Political Development Studies, Journal of Political Science, Summer 2017, No. 51, P.p: 103-134.
40. Moradi, Salar, K, M, Falahatpisheh, H. (2017). A meta-analysis of political trust studies in Iran after the Islamic Revolution. Journal of the Islamic Revolution, 7 (24), P.p: 105-133.
41. Moradnejadsarai, S; M, Tavassoli Roknabadi; S, M, Abtahi, A, Ashraf Nazari. (2016). The Role of Political Culture in the Political Development of Society, The First National Conference on Islamic Law and Management, Qom, Qom University of Applied Sciences.
42. Nastaran, M & Fattahi, S. (2009). Leveling the cities of Golestan province in terms of development indicators using the method of factor analysis, geography and environmental studies, the first year of autumn 2009 No. 1.
43. Nazari, S, G, H, Bashirigivi; S, Jannati. (2013). Investigating the Impact of Political Participation on Political Development (Case Study: Khalkhal Youth), Iran Social Development Studies, Volume 6, Number 1, Winter 2013, P.p: 137-146.
44. O'Neill, B. (2004). Gender, Religion, Social Capital and Political Participation. Prepared for delivery, the Annual Meeting of the American Political Science Association.
45. Pai, L. (2001). Crises and Sequences in Political Development, translated by Gholamreza Khajepour, Tehran, Institute for Strategic Studies.
46. Panahi, M, H. (2007). Sociology of Women's Political Participation, Tehran: Allameh Tabatabai University Press, First Edition.
47. Panahi, M, H; Shaygan, F. (2007). The effect of religiosity on political trust, Social Sciences Quarterly, No. 37.
48. Pronoun; A, H, S, R, Salehi Amiri; S, Fathi. (2018). The tendency towards partisanship and measuring its impact on the political development of the country from the perspective of members of the Islamic Consultative Assembly, Summer 2018, P.p: 55-74.
49. Rabiee, A. (2000). Sociology of Value Changes: A Look at Voters' Behavior in June 1976, Tehran: Farhang-e Andisheh.
50. Saeedi, S, Salman Mahin, A, Sepideh, Saeedi, S. (2019). Measuring the Benefit of Cities in Golestan Province with Emphasis on Rural Development Using Entropy and TOPSIS Methods, Environmental Science and Technology, Volume 21, Number 1, Serial Number 80, April 2019, P.p: 123-137.
51. Salehi Amiri, S, R; M, Ghadami; Y, Biguzadeh. (2012). Designing and presenting a model to measure the impact of social capital on the dimensions of sustainable development, productivity management, sixth year of winter 2012 No. 23.
52. Seung Yu, D. (1998). Political Culture and Political Development: A Comparative Study of Korea and Iran, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 40, Number 1050, Summer 1998.
53. Shaygan, Fariba. (2008). Investigating the Factors Affecting Political Trust, Journal of Political Knowledge, Fourth Year, No. 1 (7 in a row), Spring and Summer 2008, P.p: 153-181.

- 
54. Shojaei Zand, A. (2005). A Model for Measuring Religiosity in Iran, *Sociology of Iran*, Year 6, Spring 2005, No. 1, P.p: 34-66.
  55. Skorica, Marko M; Yong, Jin, Park. (2014). Culture, technologies and democracy: A cross-national analysis of political development, *Telematics and Informatics*, Volume 31, Issue 3, August 2014, P.p: 364-375.
  56. Statistics Center of Iran. (2016). *General Census of Population and Housing*, Bandar Gaz, 2016.
  57. Zahedi, Sh; Khanbashi, M. (2011). From public trust to political trust (research on the relationship between public trust and political trust in Iran). *Management Research in Iran*. 2011; 15 (4), P.p: 73-95.
  58. Ziba Kalam, S; M, Saboohi; A, Bahrami; H, Ranjbar Kohan. (2011). The Role of Political Elites in Iran's Political Development, *Private and Criminal Law Research*, Volume 7, Number 2 (Series 16), Winter 2011, P.p: 43-56.
  59. Zolfaghari, A. (2021). Analysis of social factors affecting political trust from the perspective of public opinion in Yazd, *Political Sociology of Iran*, Spring 2021, No. 13, P.p: 308-342.